



عکس: مجاد کرمانی / شهرآرامحله

نجفی - «بازگشت» کلمه‌ی پرتکرار کتاب‌های مقدس است. فعل مورد علاقه‌ی پیامبران؛ بازگشت از اوجی بوج به جایگاهی ثابت و مستحکم. باید معنایی عرفانی داشته باشد و بدون شک جانکاه‌تر از قدم برداشتن به جلوس، به آینده. آینده‌ی حسین توکلی را هر طور که حساب کردم، باید در خشان می بود اگر ادامه می داد. او به لحاظ مالی و مادی، مرفه‌ترین آدم آن حوالی بود با تشکیل‌ترین ماشین و خانه و دم‌ودستگاه‌های دیگر. احتمالاً واژه‌ی بازگشت آن قدر در این سال‌ها دست‌کاری شده، آن قدر به ابتذال کشیده شده که شنیدنش برای عده‌ای همراه با نیش خند است و شاید یادآور چند قسمت از سریال کلید آسار باشد و کلیپ‌های آیکی تلویزیون. بازگشت حسین توکلی از خوانندگی در مجالس عروسی آن هم با یک سفر کربلا و تحولش، جز برای اهلیش جذابیتی ندارد. با توکلی بعد از نماز ظهر در آرایشگاهش گپ زدیم و راستش کلی هم خوش گذشت.

جدی این کار را ادامه دادم. پدرم کار آزاد داشت. حدوداً پانزده سالی می‌شود که اینجا هستم. زیردست استادی کار می‌کردم که از پیش کسوت‌های آرایشگری در مشهد بودند. ازدواج کرده‌ام و یک دختر داریم.». به فعالیت‌های فرهنگی هم اشاره می‌کند. اینکه بروبچه‌های این محل چطور و به چه طریقی اوقات می‌گذرانند؛ «پایگاه بسیج امام حسین (ع) خب، خیلی فعال است و انصافاً برنامه‌های فرهنگی متنوعی را برای بچه‌های این محله ترتیب می‌دهد،

به هیئت‌امناهای مساجد نقد جدی دارم حول و حوش چهارده پانزده سالی می‌شود که اینجا تسوی این محله در خیابان مفتاح زندگی می‌کند. قبل‌تر از این در مهرآباد، دوران کودکی و نوجوانی را گذرانده و حالا در مفتاح ۳۷ در پیرایشگاه کوچکی با برادر کوچک‌ترش حسن، مشغول کار است؛ «چندین سال شاگردی کردم و بعد مشغول کار شدم تا دوران راهنمایی و بعد هم به‌طور

گفتگو با حسین توکلی، آرایشگری که در مغازه‌اش علاوه بر امانت دادن کتاب به مشتری‌هایش کلی کار فرهنگی انجام می‌دهد

بازگشتِ پرهزینه



اول یک سری سی‌دی آوردیم به اسم نکته‌های ناب که مشتری‌های خیلی استقبال کردند. خودم هم خیلی دوستشان داشتم. هم اصلاح می‌کنیم هم چهار تا چیز یاد می‌گیریم و از همان موقع شروع کردیم به این کار. بعدش تفسیر قرآن آقای قرائتی را گذاشتیم. از ۱۰ تاشمتری که این سخنرانی‌ها و تفسیر‌ها را گوش می‌کنند، روی یک نفر هم تأثیر بگذارد و بهش عمل کند، برای من کفایت می‌کند

